

خالی‌شدن آبادی‌ها بر اثر بی‌آبی



پرویز پیران، جامعه‌شناس

انبوه میل کرده، الگوهای مصرف دشمن طبیعت هر روز عمق و گستردگی بیشتری به کف می‌آورند. در همان حال، شهر مرکزی و شهر محوری و گرایش دائمی به تجمع هر چه بیشتر جمعیت که ماهیت انباشت دم‌افزون سرمایه آن را اقتضا می‌کند، در شکل کلان‌شهرسازی، گرایش به منطقه شهری‌های عظیم و رشد عمودی ساخت‌وساز در قالب بلندمرتبه‌سازی با الگوی مصرف بی‌رویه آب، پیوندی پایدار پیدا می‌کند. بر اثر دلایل یادشده، مصرف از توان بازتولید آب فراتر رفته، سفره‌های زیرزمینی آب غارت می‌شوند بدون آنکه کسی به اصل مهم اکوسیستم یعنی پایان‌پذیری و اجازه‌دادن به طبیعت برای جایگزین‌سازی که اصل مهم دیگری از اصول اکوسیستم است، توجه کند و اجازه دهند برداشت بی‌رویه از طریق نزولات جوی جبران نشود. به‌جای توجه به این اصول، آب‌رسانی از منابع دورتر و پایین‌رفتن در سفره‌های موجود آب از طریق کف‌شکنی رواجی باورناکردنی پیدا می‌کند و آب‌زدی از طریق حفر غیرمجاز چاه‌های عمیق و عمیق‌تر باب شود تا مانند ایران، که خشک‌سالی‌های ادواری طولانی‌شده و دگرگونی غیرطبیعی رژیم‌های آب و هوایی در اثر آلوده‌سازی‌های دم‌افزون هوا نیز مزید بر علت شده است، دسترسی به آب‌های فسیلی شکل‌گرفته در قرن‌هایی درازمدت، باب شود. با برداشت آب‌های فسیلی و به‌پایان‌رسیدن آنها زمین نشست کرده، جمعیت بی‌خیال و بی‌توجه باید شهر و تأسیسات

 	 	 	 	 	
مصرف از توان بازتولید آب فراتر رفته					
سفره‌های زیرزمینی آب غارت می‌شوند					
بدون آنکه کسی به اصل مهم اکوسیستم یعنی پایان‌پذیری و اجازه‌دادن به طبیعت برای جایگزین‌سازی که اصل مهم دیگری از اصول اکوسیستم است، توجه کند و اجازه دهند برداشت بی‌رویه از طریق نزولات جوی جبران شود					

گران تمام‌شده را رها کنند و شهرهای ارواح را شکل دهند. حال اگر از تحلیل و توضیح، پای بر زمین سخت و سرد تجربه زنده زندگی نهاده شود، تهران مثال خوبی است. اکنون کم‌وبیش از فاصله ۵۰۰ کیلومتری هر چه منبع آب است جمع‌آوری شده، حقایقه‌های مسیر انتقال آب، مصادره و به تهران سرازیر می‌شود و مسیر بیان‌سازی رونقی تام‌وتمام به خود گرفته است. اما ساخت‌وساز را «سر باز ایستادن نیست». این در حالی صورت می‌گیرد که یک مشارکت پویا و واقعی که مدتی است به‌عنوان نیازهای اولیه انسانی در ردیف آب آشامیدنی، غذا، پوشاک و سرپناه، طبقه‌بندی می‌شود، نیز محلی از اعراب ندارد. شیوه‌های سنتی همیاری، گرچه به‌نظر این‌ناتمام عاصی، مشارکت‌ها به معنای فنی و تخصصی نیستند، هر روز به تاریخ می‌پیوندند. مردمی کاملاً تماشاجی نه مشارکت را می‌شناسند و نه سازوکارهای امروزی آن که با حقوق بشر و شهروندی معنا پیدا می‌کند و جزئی از فرایند مقتدرسازی یا درست‌تر و بهتر از آن، مقتدرشوی است را می‌دانند. کشاورزان که بیشترین مصرف آب را به‌خود اختصاص داده‌اند، هنوز در کنار مزرعه جوش، غرق افکار و خیال‌های ذهن تفرجگر، با روش منسوخ و فوق‌العاده گران‌قرعایی (غرق کردن زمین در هر نوبت آبیاری به شیوه‌های سنتی) که فقط برای جلوگیری از شورشدن زمین و غیرقابل‌شدن‌شدن برای

فرهنگ ایرانی



عکس: عباس کوثری، شرق

۳۰، ۴۰ درصد زمین‌ها الزامی است، آن‌هم بدون توجه به رابطه سود و زیان و استفاده از آب به قیمتی چندین و چند برابر نفت، خودمحرانۀ فقط به خود و سفره معمولاً محقر خود می‌اندیشد و مسئولیتی فرانگرفته است که آن را بشناسد. شهرسازی به امید انتقال آب، در برنامه‌ها، روی کاغذ حقایقه می‌گیرد تا بعد البته «خدا بزرگ است». در این گیرودار برنامه‌هایی مانند مسکن مهر که نامهربانانه با استانداردهای مکان‌یابی و از آن نامهربانانه‌تر از نظر درستی ساخت‌وساز در مقیاس‌هایی نامهربان با محیط پیرامونی و نامهربان‌تر، با مصرف‌کنندگانی که با قرض و هزار سعی و رنج، قسط‌ها و نهاده اولیه را فراهم آورده‌اند نیز یکباره و مطالعه‌نشده قد برمی‌کشد و در مقابل چشمان از حقه‌درآمده و دهان‌های باز متخصصان شریف و واقعی، به علم، معماری، شهرسازی، جامعه‌شناسی و اقتصاد دهن‌کجی می‌کند، آن‌هم در مناطقی که با بحران آب روبه‌رو هستند.

هنگامی که مردم، جز در حرکات و رفتارهای توده‌وار، تماشاجی هستند و اصول مشارکت‌های اجتماعی را فرآ نگرفته‌اند که ضرورت بی‌چاگیرین و نیاز حیاتی بدون بحث قرن بیست‌ویکم است و از قضا چون اجتماعی‌اند و به تمامی شهروندان با هر نگاه و ویژگی تعلق دارند، پس نمی‌توانند و نباید سیاسی باشند. سیاسی‌شدن آنها به صادرآورنده نافوس مرگ پروژه‌های اجتماعی است، علاوه بر صدمات جدی و رشد فساد افسارگسیخته، نابودکننده سرمایه اجتماعی عام نیز هست. سرمایه اجتماعی عام، برای دولت‌ها، مهم‌ترین نیاز فوری و همه‌جانبه به شمار می‌آید. در ایران این حیاتی‌بودن صدچندان است. در نتیجه برعکس باور برخی افراد، نه‌تنها به مسئله آب بی‌تفاوت نیستند، بلکه سخت‌ درگیر و نگران آن هستند. اما درک، نگرانی و آگاهی آنان به‌ه راهبردها و راهکارهای عملی و رفتاری بدل نمی‌شوند. از این‌روی، همه از مشکلات اجتماعی- اقتصادی، فرهنگی و رفتاری گل‌مند و ناراجتند و دائماً به تحلیل آنها می‌پردازند، ولی تمامی این پدیده‌ها در سطح فرد، در سخن‌دانی محدود می‌ماند و به رفتاری مناسب پیوند نمی‌خورد. در نتیجه مشکلات هر روز جدی‌تر می‌شوند. هنگامی که سرمایه اجتماعی عام شکل نگیرد یا نحیف و ناتوان و لنگان بماند، سرمایه اجتماعی خاص یا پیوندی که خون، تبار، قبیله، عشیره و فامیل و کس‌وکار محور است، میدان‌دار شده، خودمحوری مرگبار ضداجتماعی رشدی نامناسب و خیره‌کننده به کف می‌آورد که انسجام اجتماعی را به خطر می‌اندازد، و شرایط شکنندگی جامعه را تا آستانه تحمل گسترش می‌دهد و سازوکارهای دفاعی و خودترمیمی جامعه را سخت تضعیف می‌کند و جامعه را لحظه‌ای می‌سازد، که عاقلان را اشاره‌ای کفایت است. ایران کشور توانمندی است. بالاترین توانمندی ایران نه منابع سرشار کشور، بلکه مردمی فهیم و علاقه‌مند است. اما دولت فربه که ۸۰ میلیون نفر تماشا کنند و دولت برای همه از سیر تا پیاز را آماده کند، فقط به ناکارآمدی و فساد منجر می‌شود و شرایط را شکننده می‌کند. مسئله آب تنها یکی از مسائل و البته مهم‌ترین آنهاست. در تاریخ ایران هر حکومتی که به مدیریت آب پرداخته، منشأ سازندگی چشمگیر بوده است. مدتی است این درس بزرگ فراموش شده است. این عاصی ناتمام، ایران را کشوری کم‌آب و البته نه پربآب، نمی‌داند معضل امروز، مدیریت آب است. در شان نسل امروز نیست کشوری که در زمینه نوآوری‌های مربوط به آب سرآمد بوده است، حالا به بی‌کفایتی در زمینه مدیریت آب متهم شود. چنین مباد. پس تا بعد…

مهاجرت ۳ هزار خانوار منطقه هامون بر اثر خشک‌سالی

و آبیاری غلط و غیراصولی، بخش اعظم آب مورد استفاده در بخش کشاورزی، هدر می‌رود. هنگامی که نقطه‌ای دچار بحران کم‌آبی و خشک‌سالی می‌شود، جمعیت ساکن به‌شدت آشفته می‌شوند و زندگی برایشان دشوار می‌شود. از پیامدهای چنین رخدادی می‌توان بروز پدیده گردوغبار و نیز بالارفتن میزان استفاده از مواد مخدر را برشمرد. (یکی از تصاویری که این‌روزها به‌طور معمول می‌توان در دریاچه هامون مشاهده کرد، قایق‌های چوبی بل‌گلوخاک‌نشسته است؛ قایق‌هایی که پیش از این برای صیادی در دریاچه استفاده می‌شده است). در بخش دیگری از زمین‌های اطراف هامون، در مناطق «سارانی» و «سیخسار»، قایق‌های چوبی به خاک نشسته‌اند. در این‌ن منطقه نیز پیش از این روستاهای متعددی وجود داشته، سه هزار راس گاو زندگی می‌کرده و پرندگان در دریاچه به‌سادگی قابل رؤیت بوده‌اند. بسیاری از جوانان این منطقه ناچار شده‌اند برای امرارمعاش به شهرهای بزرگی مانند تهران، یزد و سمنان مهاجرت کنند و به‌عنوان کارگر ساده مشغول به کار شوند. پیش از این در سارانی بیش از صد رمه وجود داشت، حالا اما تعداد آنها به کمتر از ۱۰ رمه رسیده است. این یعنی حتی شیر مورد نیاز خانواده هم تأمین نمی‌شود چه رسد به اینکه کودکان بتوانند تحصیل کنند.

منبع: خبرگزاری فرانسه

آمار

شرق کشور به تدریج خالی می‌شود

شرق ایران که شامل مناطقی بسیار خشک‌تر از غرب کشور به حساب می‌آید، به‌تدریج در حال خالی‌شدن از سکنه است و یکی از علت‌های عمده این اتفاق، نبود آب و خشک‌سالی است. خراسان جنوبی که یکی از خشک‌ترین و محروم‌ترین استان‌های کشور است، یکی از نمونه‌های عمده خالی‌شدن، بر اثر خشک‌سالی و نبود آب است. در خردادماه امسال، رئیس سازمان جهاد کشاورزی خراسان جنوبی به خبرگزاری مهر گفت که از سه‌هزار و ۵۶۳ آبادی خراسان جنوبی، هزار و ۶۸۰ آبادی خالی از سکنه شده‌اند؛ یعنی حدود یک‌سوم آبادی‌های این ناحیه، محمداباق عبادی، نماینده مردم شهرستان‌های بیرجند، درمیان و خوسف در مجلس، نیز از آبرسانی سیار به ۴۳۰ روستای خراسان جنوبی خبر داده است.

در استان سیستان‌وبلوچستان، بیش از ۳۰۰ روستا در نزدیکی تالاب هامون در سال‌های اخیر به دلیل خشک‌سالی چندساله این تالاب، متروکه شده و کسی ساکن این روستاها نیست و بعضی نیز صحت از خالی از سکنه‌شدن ۲۰۰ روستا در سیستان‌وبلوچستان بوده است. کاهش بارش، خشک‌سالی و بهره‌برداری بیش از حد از آب‌های زیرزمینی، بحران این‌ن روزهای خشک‌سالی را جدی‌تر کرده و دسترسی به آب‌های زیرزمینی را سخت‌تر. هم‌اکنون متوسط عمق چاه در مناطق شرقی و استان‌هایی چون خراسان جنوبی از مرز ۲۵۰ متر نیز گذشته و به حدود ۳۰۰ متر رسیده است. به گزارش ایلنا، علی‌اکبر بسکابادی، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی خراسان جنوبی، آمار روستاییانی را که به شیوه سیار آب مورد نیاز خود را تأمین می‌کنند، نزدیک به ۵۹ هزار نفر اعلام کرده بود. اگر این وضع ادامه داشته باشد، بسیاری از مناطق شرقی کشور خالی از سکنه خواهند شد. همچنان که درحال‌حاضر در منطقه قانتات مهاجرت مردم از روستاها با سرعت بالایی ادامه پیدا می‌کند و عمومی‌ترین و اصلی‌ترین دلیل آن هم بحران آب است.

سال گذشته، مدیرکل امور بانوان و خانواده استانداری سمنان، با بیان اینکه روستاهای حاشیه کویر سمنان از خشونت طبیعت رنج می‌برند، خبر داد که به‌خاطر این مقوله خطرناک، بسیاری از روستاهای استان از لحاظ سکونت، دچار مشکل شده‌اند. زینب کرکه‌آبادی در اولین همایش توسعه روستایی استان سمنان، افزود: به دلیل اینکه روستاهای حاشیه کویر در سمنان دچار خشونت طبیعت در بحث خشک‌سالی، کمبود آب و… شده‌اند، خالی از سکنه شده‌اند. او با اشاره به تفاوت روستاها در کویر و مناطق غیرکویری گفت که خشونت طبیعت باعث شده روستاها در استان کویری سمنان دارای جمعیت بسیار کمی باشند و همین باعث کاهش امنیت در این روستاها شده است. پس بنابراین این‌ن مناطق به توجه و نگاه ویژه‌تری نیاز دارند.

در استان کرمان نیز وضعیت وخیم است؛ علی‌ رشیدی، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی استان کرمان، گفته است که اکنون در استان کرمان تأمین و توزیع آب آشامیدنی کار فنی و پیچیده‌ای شده و منابع آبی از شهرها و روستاهای فاصله گرفته و یکی از مشکلات اصلی در روستاها ناپایداری سفره‌های آب زیرزمینی است و مشکلات کمی آب، تأثیر بسیاری بر کیفیت آب گذاشته و برداشت بی‌رویه از منابع آبی زیرزمینی موجب اسیدی‌شدن، شوری و تلخی آب‌ها شده است. او با اشاره به اینکه پنج‌هزارو ۱۷۷ روستا در استان کرمان وجود دارد که معادل ۱۰ درصد روستاهای کشور است، گفته بیش از ۷۳۰ روستا در این استان لوله‌کشی آب آشامیدنی ندارند و در سطح استان کرمان به ۹۰۶ روستا از طریق تانکر آبرسانی صورت می‌گیرد.

نمونه

در نتیجه اتمام منابع آب

زنگ خطر مهاجرت اجباری از کالیفرنیا

زنگ خطر مهاجرت اجباری به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین پیامدهای خشک‌سالی در ایالت کالیفرنیا در ایالات متحده آمریکا به صدا درآمده است. این موضوع احتمالاً در نگاه بسیاری انتزاعی خواهد بود اما واقعیت این است که نه آب‌های سطحی و نه آب‌های زیرزمینی از این پس کفاف نیاز روزافزون ساکنان این ایالت را نخواهد داد. حالا در خلال مشکلات ناشی از خشک‌سالی و بررسی راه‌حل‌های آن، بیش از همه افزایش جمعیت در منطقه شماتمت می‌شود. گروه‌های فعال در این زمینه سیاست‌مدارانی را که مهاجرت در کالیفرنیا را به‌عنوان یکی از سیاست‌های خود در این ایالت رواج دادند، مقصر می‌دانند و لابد بر همین اساس سیاست‌های مهاجرتی دموکرات‌ها در این کشور را زیر سؤال می‌برند، هرچند این برداشت می‌تواند تا حدودی درست باشد چراکه در هر منطقه‌ای همسنگی میان جمعیت و میزان مصرف منابع آب، معنادار است. به نظر می‌رسد در میان راه‌حل‌های تاق و جفت برای مدیریت بحران آب کالیفرنیا، یکی از موارد موردتوجه، مهاجرت از این منطقه است. به احتمال زیاد در میان راه‌حل‌های گوناگون، این یکی از کم‌هزینه‌ترین‌ها خواهد بود.

قربانی بدترین خشک‌سالی تاریخ

آتش‌سوزی، زلزله و یکی از بدترین خشک‌سالی‌های تاریخ همه و همه دست‌به‌دست هم داده‌اند تا کالیفرنیا جای مناسبی برای اقامت نباشد. واقعیت این است که در دو سال گذشته و در پی تمام‌شدن ذخیره آبی کالیفرنیا وضعیت بد و بدتر شده است. بسیاری از کارشناسان معتقدند اگر وضع به همین منوال پیش برود، بهترین راه‌حل روزافزونی با این مشکل، ترک منطقه خواهد بود. چندی‌پیش، در حدود ۳۶ درصد از مساحت این ایالت در وضعیت بی‌سابقه و استثنائی خشک‌سالی قرار گرفت. تنها یک هفته پس از این زمان، مساحت تحت‌تأثیر خشک‌سالی به ۵۸ درصد رسید. مسئولان محلی می‌گویند وضعیت آن‌قدر بحرانی است که احتمال دارد مجبور شوند مهاجرت ساکنان منطقه از این ایالت را در دستور کار قرار دهند. آنها البته فراموش نمی‌کنند که اضافه کنند مهاجرت بابت خشک‌سالی امری مسبوق به سابقه است و در تاریخ بارها این اتفاق افتاده است. خشک‌سالی برای ایالت کالیفرنیا در حدود ۱۷ هزار دلا هزینه برداشته است. این خشک‌سالی از حدود صد سال پیش آغاز شده است و کارشناسان معتقدند اگر ذخیره آب در این منطقه به اتمام برسد، چارهای نیست جز آنکه جایی دیگر برای اسکان مردم این منطقه در نظر گرفته شود.

افزایش جمعیت؛ مقصر اصلی کم‌آبی

اما در دوره‌های خشک‌سالی و کمبود آب یکی از نگرانی‌های مسئولان محلی، درگیری مردم بر سر منابع آب است. این موضوع در بسیاری از مناطق دنیا و به‌خصوص در میان کشاورزان دیده می‌شود. درحال‌حاضر به‌نظر می‌رسد نگرانی از این‌ن درگیری‌های اجتماعی در میان مسئولان ایالت کالیفرنیا نیز دیده می‌شود. گروه‌های متعددی در این زمینه تحقیق کرده‌اند. در سال گذشته نتایج یکی از این تحقیقات دانشگاهی نشان داد پیامد نهایی ادامه خشک‌سالی در ایالت کالیفرنیا یک چیز است: «مناقشه‌های اجتماعی».

مهاجر نگیرد

گروه‌های ضد‌مهاجرت در این ایالت با تکیه بر مشکلات کنونی ناشی از کم‌آبی در کالیفرنیا، تلاش می‌کنند نشان دهند سیاست‌های دولت در اسکان مهاجران در این منطقه بخردانه نبوده است. آنچه بیش از این، در خلال گفته‌های این گروه‌ها به چشم می‌خورد آن است که در بیش از یک دهه گذشته، جمعیت این ایالت دو برابر شده و در این‌ن افزایش جمعیت، هیچ توجهی به میزان منابع آبی و نیاز جمعیت به آب نشده است. جدا از مسئولان حکومتی، رسانه‌ها نیز در این‌اره شماتت می‌شوند. درواقع گفته می‌شود یکی از انتظاراتی که مطبوعات در طول دهه‌های گذشته به این هیچ توجهی نکرده‌اند، هشدار در مورد استفاده از منابع آبی و ارتباط آن با رشد جمعیت بوده است. مخالفان مهاجرت معتقدند نباید به هر کودکی که در خاک آمریکا به دنیا می‌آید حق شهروندی در این کشور را اعطا کرد. گفته می‌شود ایالت کالیفرنیا درحال‌حاضر و در جریان گذراندن خشک‌سالی در حدود ۴۰ میلیون نفر جمعیت دارد حال آنکه در آخرین خشک‌سالی این منطقه که در دهه ۹۰ اتفاق افتاد، در حدود ۲۰ میلیون نفر جمعیت داشته است. در دهه ۹۰ و زمانی که جمعیت منطقه ۲۹٫۸ میلیون نفر بود، آب استحصال‌شده در ایالت، ۳۵٫۱ میلیارد بشکه در روز بود و در سال ۲۰۱۰، با جمعیتی در حدود ۳۷٫۳ میلیون نفر، حجم آب استحصال‌شده به ۳۱٫۱ میلیارد بشکه در روز رسید.

منابع:
www.latimes.com – www.numbersusa.com – inhabitat.com

ادامه از صفحه ۹

گامی*دوم ایران

حتی کار به جایی رسیده است که آپیک هزینه سفر ۵۸ عضو کنگره آمریکا را به اسرائیل پرداخت کرده تا آنان بین چهارم تا دهم ماه آگوست با نتانیاهو دیدار کنند. آنها نیز این سفر را پذیرفته‌اند تا تعطیلات تابستانی خود را به‌جای حضور در حوزه‌های انتخاباتی‌شان، که امری مرسوم است، در تل‌آویو بگذرانند. حالا اوایما در آخرین سال ریاست‌جمهوری‌اش، نتانیاهو و دارودسته‌اش را به منحرف‌کردن قطار توافق ایران از ریل اصلی متهم می‌کند. اوایما به‌خاطر دخالت اسرائیل در کنگره آمریکا، عصبانی به‌نظر می‌رسد.

گامی دوم کاملاً مشخص است. اوایما تلاش می‌کند جهان را متقاعد کند که او از این موضوع که اسرائیل توافق ایران و ۵+۱ را قبول ندارد، ناراحت است. این در حالی است که از همان ابتدا امر، او این مسئله را به‌خوبی می‌دانست. اوایما ایزراه‌های خوبی برای مهار اسرائیل در اختیار دارد، مثلاً متوقف‌کردن پرداخت سه میلیارد دلار پولی که از جیب پرداخت‌کنندگان مالیات به جیب اسرائیل می‌رود یا غیرقانونی اعلام‌کردن روابط فاسد اسرائیل/ آپیک و کنگره آمریکا. اما مسئله اینجاست که اوایما از هدف مشترک اسرائیلی- آمریکایی برای سلطه جهانی خبر داشته و می‌داند برای تحقق این هدف، کشورهای چوچن ایران، عراق و سوریه نباید قدرت ملی خود را بازپس گیرند. برای رسیدن به این هدف از هنر وسیله‌ای می‌توان استفاده کرد. این کشورها به هر بهانه‌ای باید سرکوب شوند.

منبع: کانتر پانچ

*** گامی در بازی شطرنج به حرکتی اطلاق می‌شود که فرد با انجام آن، اگرچه در ظاهر مهره‌ای را از دست می‌دهد، اما در عوض نه‌تنها جبران مافات می‌کند بلکه از امتیاز بیش‌تری نیز بهره‌مند می‌شود.**